■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۶۰ ■ دوشنبه ■ ۱۲ خرداد ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۲ | اذان مغرب ۲۰/۳۶ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۰ | اذان صبح فردا ۴/۰۵ | طلوع آفتاب فردا ۵/۴۹

سخن روز

امام علی علیه‌السلام:
راستگو، با راستگویی خود به همان می‌رسد که دروغگو با حیله گری خود.
غررالحکم و دررالکلم ص۸۰۹

سیروس الوند: زندگی آنلاین سرنوشت محتوم امسال ماست

در شرایط فعلی حتی اگر سینماها باز شوند با توجه به اینکه اعلام شده ۴۰ درصد ظرفیت، بلیت فروشی می‌شود و ۵۰ درصد فروش آن هم از ما گرفته می‌شود و نیز تعداد زیادی فیلم که پشت اکران مانده، به نظرم همین اکران آنلاین کمک می‌کند تا فیلم‌هایی که بعداً در سینماها اکران می‌شوند وضعیت بهتری داشته باشند. وقتی بسیاری از کارها به‌صورت آنلاین انجام می‌شود، پس چرا اکران فیلم و... آنلاین نشود؟ زندگی آنلاین سرنوشت محتوم امسال ماست.

کارگردان سینما در گفت‌وگو با ایسنا
از اکران آنلاین فیلم جدیدش «آنجا همان ساعت» گفت.

برف/مکسنس فرمین
احمد سلامت راد
نشر روشنگران و مطالعات زنان

-نور در درون ماست؛ فقط رنگ بیرون از ماست. چشمانت را ببند و بگو چه می‌بینی؟
-استاد من نور سپید برف را می‌بینم.
این را گفت و لبخندی بر لبانش نقش بست. آن روز یک روز زیبای بهاری بود. خورشید به سندانی سرخ می‌مانست.
-درست است. زمستان گذشته اینجا برف بارید. تو دیدن را آغاز کرده‌ای.

نـــگاره
سهیل محمدی

اقشار آسیب پذیر و دغدغه مسکن

بازار خاموشی که کرونا نشان‌مان داد

حرف روز

ماکان زهرایی
مدیر اجرایی و فروش نشر کارنامه و شعبه نیاوران شهر کتاب

تحت تأثیر شرایطی که شیوع بیماری کرونا پیش روی صنعت نشر کشورمان گذاشته، شاهد تقویت و شکل‌گیری صفحات کتابفروشان و ناشران در شبکه‌های اجتماعی یا فضای مجازی بودیم. اتفاق مثبتی که بخشی از آن قابل مشاهده است و برای درک تأثیرات جدی‌تر آن هم باید قدری منتظر بمانیم.

یکی از تجربه‌های خوب این ماه‌های صنعت نشر کشورمان را می‌توان در عملکرد فروشگاه‌های شهر کتاب مشاهده کرد؛ از آنجایی که شعبه نیاوران این مؤسسه از سوی نشر کارنامه اداره می‌شود در جریان تجربه‌های این مؤسسه هستم که بخشی از آن را بازگو می‌کنم. یکی از مسائلی که تعجب من و دیگر دوستانم را به همراه داشته، استقبال دور از تصور مردم در خرید تلفنی کتاب‌ها بود؛ اتفاقی که حتی فراتر از فروش اینترنتی پیش رفته و موجب جابه جا شدن ارقامی در خرید و فروش کتاب‌ها شد که هرگز پیش‌بینی نمی‌کردیم.

شیوع این بیماری نشان داد که افزون بر مخاطبانی که خواهان خرید اینترنتی یا حضوری کتاب هستند ما با نوع دیگری از علاقه‌مندان هم طرف هستیم که ترجیح‌شان به تهیه آثار به شیوه تلفنی است. آنقدر استقبال مردم از این طریق خوب بود که با وجود بازگشایی دوباره کتابفروشی‌ها هنوز متقاضیان بسیاری در این زمینه داریم و کار تا جایی پیش رفته که شاید با درنظر گرفتن چند پرسنل برای فروش تلفنی، تغییراتی در کتابفروشی‌مان ایجاد کنیم.

نکته دیگر درباره خریدهای تلفنی امکان استفاده از ظرفیت برخی پرسنلی بود که کار خود را از دست داده بودند و از این طریق در بخش‌هایی همچون ارسال مرسوله‌ها همکاری کردند. از جمله نقاط تمایز فروش تلفنی به اینترنتی که مخاطبان از آن استقبال زیادی هم کردند این بود که به جای انتظار یک هفته‌ای، کتاب‌های خریداری شده خود را همان روز دریافت می‌کردند. محدودیت‌های کرونا منجر به آن شد که متوجه شویم نشر ایران از ظرفیت بازار خاموش و بی‌سر و صدای خرید تلفنی هم برخوردار است. شاید برایتان عجیب باشد اما بسیاری از خریداران این شیوه، در تماس تلفنی درباره کتاب‌های مورد نظر خود سؤال‌های متعددی می‌پرسیدند و حتی از ما درخواست ارسال عکس کتاب‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی را می‌کردند. از بحث فروش تلفنی که صحبت درباره آن فرصت بیشتری طلب می‌کند بگذریم، تقویت بخش فروش اینترنتی و مجازی کتاب یکی از ملزومات دنیای امروز است که شیوع بیماری کرونا ضرورت تسریع بیشتر روند آن را نشان داد. یکی از راهکارهایی که طی این چند ماه مطرح شد و حتی پیشنهاد همراهی آن به ما هم داده شد برپایی سیستم مشترک فروش آنلاین میان کتابفروشی‌های شهر، آن هم به‌صورت منطقه‌ای است.

اتفاق خوبی خواهد بود منتهی چگونگی برپایی آن باید به نقد و بررسی گذاشته شود. اتفاقات این چند ماه نشان داد؛ مردم بیش از قبل متوجه ضرورت تهیه محصولات فرهنگی از جمله کتاب شده‌اند، بنابراین معتقدم وقتی از این شرایط عبور کنیم باید منتظر تحولات تازه‌ای در عرصه نشرمان باشیم که پیش‌بینی‌های قبلی ما را به هم خواهد زد. این روزها بالاخره تمام می‌شوند، منتهی آنچه که می‌ماند تجربه‌ای ارزشمند است که می‌توان از آن در راستای بهبود صنعت نشر کشورمان بهره گرفت.

تک نگاری

چند نکته درباره کاظم بایرام بخش

آمده‌ام از خلیج‌فارس دفاع کنم

خسرونشان
فعال فرهنگی

سلیقه انسان‌ها بشدت در حال شخصی‌تر و خاص‌تر شدن است و این به معنای گردشگری خاص است.

گردشگری یک صنعت فرا بخشی است و بخش‌های مختلفی درگیر موضوع گردشگری هستند.

طبیعتاً سینما به‌عنوان یک هنر پیشرو و پیشگام می‌تواند در معرفی جاذبه‌های گردشگری و ایجاد تعلق‌خاطر شهروندان به اماکن تاریخی و فرهنگی گردشگری بسیار مؤثر باشد. کارشناسان گردشگری هنری را با تعبیر گردشگری پست‌مدرن یاد می‌کنند. ما دودسته گردشگر هنری داریم، گردشگر منفعل تئاتر و فیلم می‌بیند و یک بازدیدکننده صرف است اما گردشگر هنری فعال یک سفر تجربه‌گرا و آهسته وتوأم با مشاهده‌گری خلاق را تجربه می‌کند. کشورهای مختلف دنیا با استفاده از جاذبه‌های سینما و ادبیات، خودشان را معروف کرده‌اند این در حالی است که ایران شهرهای هنری دارد که در حوزه موسیقی و صنایع‌دستی معروف‌اند و می‌توانند جهانی شوند اما متأسفانه در بخش تبلیغات بویژه در حوزه هنر قوی عمل نکردیم. ایران اما جذابیت‌های بی‌شماری دارد که به نظر می‌رسد با وسع دریایی، نیازمند یک موزه جامع ملی دریایی است که آداب دریانوردی و ساحل‌نشینان مختلف کشور را در خود جمع کند. وظیفه دولت‌ها است که از این فرهنگ‌ها محافظت کرده و اجازه فراموشی بیشتر را ندهند. این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه در قالب محیطی به نام موزه اینها نگهداری و حفظ شود.

فیلمبرداری زیرآب در عمق‌های مختلف بیشتر به کمک تجهیزات فیلمبرداری شامل کپسول هوا، دوربین و پوسته‌های زیرآبی و تجهیزات نورپردازی زیرآبی دارد. این کار نیازمند آموزش حرفه‌ای بوده و می‌بایست به‌طور تخصصی از تجهیزات تنفسی و سیلندر هوا، تجهیزات نورپردازی خاص و دوربین‌های خواص با پوشش ضد آب استفاده کرده و معمولاً جهت فیلمبرداری از موجودات زیرآب، مرجان‌ها و کشتی‌های غرق‌شده می‌شود.

ظهور عکاسی دیجیتال توانایی زیادی برای عکاسی و تصویربرداری زیرآب ایجاد کرد، از عکاسی تفریحی زیرآب تا عکاسی حرفه‌ای زیرآب. شما قادر خواهید بود دوربین‌ها و محفظه‌های ضد آب خود را نسبت به عکس‌ها و تصویرهایی که در نظر دارید چه به‌عنوان تفریحی و چه حرفه‌ای تهیه کنند.

شاید روزی تصویربرداری زیرآب آرزوی بشر بود اما امروزه با پیشرفت تجهیزات و فناوری براحتی و تنها به کمک آموزش صحیح شما می‌توانید به زیرآب رفته و تصویربرداری کنید. تمام مواردی که تا بدین جا مطالعه کردید تمام چیزهای است که باید در کنار یک متخصص قرار بگیرد تا این چرخه بتواند زنجیره خود را کامل کند.برتری ایران‌زمین نسبت به دیگر کشورهایی که تاکنون دست‌به‌کارهایی از این قبیل زده‌اند به‌خصوص در حوزه مستندسازی دریایی حضور کاظم بایرام بخش در کشور است.

خود او درباره آغاز کار می‌گوید: «بعد از ورودم به دانشگاه دیدم که قایقرانی ورزش موردعلاقه بنده وجود ندارد، پس رفتم سراغ غواصی و وقت‌های آزادم را صرف یادگیری این ورزش می‌کردم. از سوی دیگر داشتم رشته موردعلاقه‌ام یعنی عکاسی را دنبال می‌کردم. حالا برای غواصی کردن در سطوح بالا سال‌ها رفتم آفریقا و استادی داشتم به نام آقای توره در سنگال در کنار اقیانوس اطلس. غواصی Free dive یا غواصی آزاد را ایشان به من یاد داد. حال اینکه، غواص شده بودم آن‌هم آزاد بدون وسیله خاصی و فقط باید دوربین مخصوصش را هم تهیه می‌کردم؛ و در فرانسه عکسبردار و مستندساز حرفه‌ای در مورد زیردریا به تعداد انگشتان دودست بیشتر نبود، ولی آزاد در آن زمان فقط من بودم.»

او در ابتدای حضور در ایران، به جزیره کیش آمد و در بازگشت در نزدیکی پاریس یک نمایشگاه تشکیل داد و به لطف عکسی که از یک صدف به رنگ آبی و قرمز در جزیره هندورابی گرفته بود در

فستیوال Okeanos Montpellier در فرانسه شرکت کرد. اقدامی که نتیجه‌اش دریافت سه جایزه بود. جایزه فدراسیون جهانی صدف شناسی، جایزه فدراسیون جهانی غواصی، جایزه بزرگ کل فستیوال که نصیب او شد.

زمانی که از دلیل بازگشت او سؤال می‌کنم با شور و حرارت خاصی می‌گوید: «آمده‌ام از خلیج‌فارس دفاع کنم» بایرام بخش در این‌سوی دنیا در تلاش است که با فعالیت‌های فرهنگی، مثل ساخت فیلم، مقاله، کنفرانس و برگزاری نمایشگاه، مردم دنیا را بیشتر با نام زیبای خلیج‌فارس آشنا کند.

کاظم بایرام بخش در سال‌های مختلف تصویربرداری در نقاط مختلف دنیا با کسب دانش در رشته سینمای مستند به وسایل و لوازمی دست‌یافته است که همچون گنجینه‌ای ارزشمند برای نسل‌های بعد به شمار می‌رود.

#دراگون

شهروند مجازی

یگانه خدامی

هشتگ

پرتاب فضاپیمای دراگون با موشک فالکون ۹ آنقدر هیجان داشت که همچنان بحث درباره‌اش در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد. عکس‌ها و فیلم‌هایی از لحظه پرتاب این فضاپیما منتشر می‌شود و کسانی که اطلاعاتی درباره این ماجرا دارند با دیگران اطلاعات را به اشتراک می‌گذارند. اینکه فضاپیما ساخت شرکت خصوصی بوده مسأله‌ای است که کاربران زیادی به آن اشاره کرده‌اند؛ البته در کنار بحث‌های جدی باز هم شوخی درباره فضاپیما را می‌شود بین نوشته‌ها دید: «پسر، فالکون ۹ یه محفظه شامل دوتا آدم رو برد در ارتفاع ۱۰۰ کیلومتری زمین رها کرد بعد برگشت وسط دریا عین پنیر نشست. انگار مسخره‌بازیه»، «کاش آنقدر پول داشتم که الان تو فالکون ۹ به مقصد کهکشان نشسته بودم نه تو ماشین به مقصد سرکار»، «یه نکته جالب دیگه‌ای هم که قضیه پرتاب دیشب اپیس ایکس و ناسا برام داشت اسم شناوری بود که فالکون ۹ بعد از رهاسازی تو ۱۰۰ کیلومتری برگشت روش نشست. اسمش؟ Of course, I still love you»، «اگر من جای یکی از اون فضانوردها رفته بودم فضا، اولین چیزی که بعد از پرتاب موشک و خروج از زمین یادم می‌افتاد این بود که زیر کتری رو خاموش کردم یا نه؟ و تا بازگشت دوباره به زمین استرس داشتم!»، «قرار است امروز۲ فضانورد امریکایی پس از ۱۹ساعت سفر به ایستگاه فضایی جهانی برسند. دوگ هرلی و رابرت بنکن برای ۴ماه آنجا خواهند بود. امریکا برای نخستین بار پس از نزدیک به ۱۰ سال ۲فضانوردش را از مرکز فضایی کنیدی در فلوریدا به فضا اعزام کرد.»، «من بیشتر از اینکه بخوام جای اون آدمایی باشم که می‌رن فضا. دوست دارم جزو اون دسته از افرادی باشم که تو اتاق کنترل عملیات وقتی موشک می‌ره بالا جیغ می‌کشن و همدیگه رو بغل می‌کنن که کل زحمتاشون موفقیت‌آمیز بوده»، «جدی دیشب دو نفر آدمیزاد با موشک رفتن فضا بعد خود موشکه دنده عقب گرفت برگشت رو زمین نشست؟ بابا شاید همه با هم خواب دیدیم»، «دارم ویدئو فرود فالکون رو نگاه می‌کنم از یوتیوب. جدی چقدررررر فضا خفنه. تصور اینکه بری یجا که فقط تاریکی و سکوت و امکان بازگشت کم هست من و یاد مرگ می‌اندازه..»، «همچین همتون خوشحالین انگار با خصوصی شدن این قضیه فرداش ثبت‌نام می‌کنید میرید فضا، لعنتی‌های پولدار»، «الان که فضاپیماعه داره ۳۰ هزار کیلومتر بر ساعت حرکت می‌کنه یه پرشیا پلاک کرج داره پشتش نور بالا می‌زنه»، «این قضیه قدرت بخش خصوصی تو امریکا که می‌تونه حتی شاتل فضاپیما پرتاب کنه رو خیلی بیش از حد بزرگ نکنید. اون ور قضیه هم ببینید، یه ناسایی هم هست که بیاد دو نیم میلیارد دلار باهاش قرارداد ببنده»، «پرتاب موفقیت‌آمیز دراگون، عملاً آغاز به حقیقت پیوستن فیلمای علمی تخیلیه.»

آموزش مجازی نیاز به مسئولیت اجتماعی دارد

یکی از هزارتا

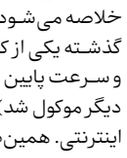

پیام فروتن
طراح و استادیار دانشگاه تهران

در این روزهای کرونایی، قرنطینه و تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها، توجه بسیاری افراد روی آموزش آنلاین یا تدریس در فضاهای مجازی جلب شده است. در این میان، رشته‌های تحصیلی‌ای وجود دارند که تدریس آنها تنها در قالب یک سخنرانی ساده در فضای مجازی نمی‌گنجد و نیاز به ابزار و فناوری‌های متعدد دارند. یکی از این رشته‌های عمده، تئاتر و هنرهای نمایشی است. این رشته که از زیر رشته‌های متنوعی برخوردار است، نیاز به وسایل بسیاری، برای انتقال آموزش درست و منطقی دارد. در همین راستا، بحث‌های آکادمیک متعددی در جریان است. عده‌ای آموزش آنلاین تئاتر را اصولاً نشدنی می‌دانند و برخی دیگر، این شیوه را کاملاً می‌پسندند و معتقدند باید با تحولات روز همراه شد. تعدادی دیگر نیز در میانه میدان ایستاده و از جنبه‌های مختلف به این رویکرد می‌نگرند. اما برای آموزش از راه دور، آیا تنها دسترسی به فضاهای وب و مجازی کافی است؟ در این نوشتار تلاش می‌کنیم تا از زاویه‌ای دیگر به این مسأله نگاه کنیم.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، یکی از ۱۹ وزارتخانه دولت و مسئول برنامه‌ریزی، پشتیبانی و توسعه زیرساخت‌ها و قابلیت‌های ملی مخابراتی و اطلاعاتی ایران است. این وزارتخانه تقریباً تمام مؤلفه‌های مورد نیاز برای آموزش از راه دور را در ید قدرت خود دارد. از اینترنت و کنترل و نظارت بر آن گرفته تا تلفن و خدمات تلفن‌های همراه. این روزها بحث و گفت‌وگوها غالباً در حوزه اینترنت خلاصه می‌شود. از سرعت پایین نت گرفته (نگارنده شب گذشته یکی از کلاس‌های آنلاین خود را به‌واسطه ترافیک و سرعت پایین نت از دست داد و کلاس یاد شده به زمانی دیگر موکول شد) تا هزینه هنگفت اشتراک و خرید بسته‌های اینترنتی. همین‌طور می‌توان به فقدان زیرساخت‌های لازم و بسترهای مورد نیاز برای آموزش از راه دور اشاره کرد. ضمن اینکه فیلترینگ برخی فضاهای مجازی و آموزشی نظیر تلگرام، توئیتر، فیس‌بوک، یوتیوب و... را نیز نباید از نظر دور داشت. فضاهایی که هریک می‌توانند نقش مهمی در آموزش و ارتباط میان دانشجویان و استادان ایفا کنند. لازم به توضیح نیست که تا چه میزان، فیلم‌های آموزشی و آکادمیک را می‌توان به‌راحتی از طریق یوتیوب مشاهده یا به اشتراک گذاشت. اما وزارت ارتباطات و فناوری یک مجموعه مهم دیگر را نیز هدایت و مدیریت می‌کند: «پست». بی‌تردید در این روزهای فاصله‌گیری اجتماعی، پست نقش مهمی در جابه‌جایی اطلاعات مکتوب دارد. بخش مهمی از این اطلاعات در نقل‌وانتقال کتاب خلاصه می‌شود. در این جا بد نیست به‌عنوان مدرس تئاتر، به یک نمونه که برای شخص من ایجاد شد اشاره کرده تا به غرض اصلی بحث دست یابیم:

به‌منظور ارسال تعدادی کتاب آموزشی برای دانشجویانم به یکی از دفاتر پست مراجعه کردم. پس از گرفتن چند پاکت، نوشتن نشانی‌ها و قرار دادن کتاب‌ها در آنها به یکی از کارمندان پشت باجه مراجعه کردم. سلام و خوش آمدید و خسته نباشید که اصولاً متعلق به کارمندان ما نیست و احتمالاً در جهان دیگر باید به‌دنبال آن بگردیم. پس از مدتی که از بی‌تفاوتی کارمند یاد شده مأیوس شدم، به کارمند دیگری که به مانیتور خیره شده بود، مراجعه و سؤال کردم که آیا ایشان می‌توانند کار بنده را راه بیندازند یا خیر؟ با پاسخ مثبت ایشان، داستان آغاز شد. ابتدا به وزن برخی پاکت‌ها ایراد گرفتند. ظاهراً برخی از آنها ۳۰۰ گرم بیش از ۲ کیلوگرم بودند که در این‌صورت باید آنها را به‌جای قرار دادن در پاکت، در جعبه می‌گذاشتند! عرض کردم لطفاً انجام دهند و کتاب‌ها را به‌صورت بسته ارسال کنند (این در حالی بود که هیچ ترازویی برای مشتریان قرار نداده بودند). اندکی بعد موضوع دیگری باب شد: نداشتن کد پستی! عرض کردم کد پستی برخی از دانشجویانم را ندارم. در ادامه موضوع دیگری عنوان شد: نداشتن کد ملی گیرندگان! عرض کردم کد ملی آنها را ندارم. در ادامه، شماره تلفن همراه گیرندگان را طلب کردند. دیگر کاسه صبر، رو به لبریز شدن بود و کار به بگو مگو کشید. پاکت‌ها را گرفتم و به شعبه دیگری مراجعه کردم. تمام آنها بدون حتی یک سؤال، پست شدند! تنها، کارمند مهربان آنجا یادآوری کرد که برخی پاکت‌ها کمی اضافه وزن داشتند که استثنائاً آنها را پست کردیم؛ اما در مراجعه بعدی لطفاً به این موضوع دقت فرمایید. رسید را گرفتم و به شعبه قبلی بازگشتم. به ریاست شعبه اعلام کردم، بدون کد پستی، کد ملی، شماره تلفن همراه، کار امروز من با لطف و مهربانی کارمندی دیگر انجام شد. و تصور می‌کنید واکنش ایشان چه بود؟ پیدا کردن نام کاربر شعبه دوم از رسید و تهدید به شکایت از ایشان به اتهام دورزدن قانون پست و پلمب کردن دفتر یاد شده! در حالی که خود ایشان ساعاتی قبل، در حال پذیرش پاکت‌های بنده با ثبت وزنی پایین‌تر در سیستم بودند که فرآیند ارسال بسته‌ها با بهانه‌های یاد شده متوقف شد!

جناب وزیر! برادر بزرگوار من! آموزش از راه دور و پیشرفت در عرصه‌های علمی، بیش و پیش از اجرای هرگونه زیرساخت فناورانه، نیاز به آموزش، فرهنگ، مردمداری، حمایت، همکاری، همدلی، احساس مسئولیت، تعلق اجتماعی، ادب و بسیاری از مؤلفه‌های در دسترس دیگر دارد. آموزه‌هایی که نه ربطی به تحریم‌ها دارند و نه نیازمند صرف هزینه‌های هنگفت. نکات مثبتی که متأسفانه در میان بسیاری از کارمندان نه‌تنها وزارتخانه شما، که در بسیاری از ادارات دولتی و خصوصی دیگر نیز وجود ندارد. فقدان فناوری و امکانات را می‌توان با کمی بذل ادب، حسن انجام کار و همکاری تاب آورد. آموزش از راه دور، پیش از هر چیز، نیاز به مسئولیت فردی و اجتماعی دارد.

آگهی مناقصه

سازمان فنی و نگهداری
حرم مطهر رضوی(ع)

در نظر دارد تهیه و تحویل ۴۰۸ دستگاه پرژکتور ال ای دی جهت نورپردازی گلدسته‌های سردرب غربی و شرقی صحن جامع رضوی حرم مطهر حضرت رضا (ع) را ازطریق مناقصه عمومی واگذار نماید، لذا متقاضیان می‌توانند تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه‌مورخ۱۳۹۹/۳/۲۰ ضمن‌مراجعه‌به‌آدرس سایت‌اینترنتی http://sem.aqr-harimeharam.org/ (تلفن ۳۶۱۳۰۵۲۴۳-۰۵۱) نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام‌نمایند.

سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر رضوی(ع)

عکس نوشت

حسن توفیق یکی از پیشکسوتان مطبوعات و کاریکاتوریست و مدیرمسئول نشریه طنز توفیق، دیروز درگذشت.
او برادر ارشد حسین و عباس (از نوه‌های خواهری حسین‌خان توفیق، بنیانگذار روزنامه توفیق در سال ۱۳۰۱)، متولد ۱۱ اسفندماه ۱۳۰۴ بود که در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران تحصیل کرد و از دوران محمدعلی توفیق (۱۳۲۲)، رسماً به جمع طنزپردازان توفیق پیوست. حسن توفیق پس از برکناری سردبیران چپ‌گرا و متمایل به حزب توده، سردبیری توفیق را با همراهی برادرانش برعهده گرفت و بیشتر کاریکاتورهای روی جلد توفیق در دوره دوم و سوم، کار اوست.